

کتاب دانیال — شماره دو

بت پرستی

Jeff Pippenger

2023-11-23

قصد دارم نشان دهم که چگونه «هفت زمان» لایوان بیست و شش در کتاب دانیال «در برابر دیدگان، پنهان» است، و نیز مشخص سازم که این امر از طریق ابزارهای انسانی‌ای که خدا در ارائه «آن سنگ» که در کتاب دانیال موجب لغزش می‌شود به کار گرفت، پنهان شده بود. پیروی از نور این ارائه، مستلزم «صداقت» است. تعریفی از صداقت که من پیشنهاد می‌کنم، چنین است: سازگاری در اعمال، ارزش‌ها، روش‌ها و اصول شخص. این امر اقتضا می‌کند که به آنچه در کلام خدا آشکار شده است پایبند بمانیم، حتی هنگامی که با اندیشه‌های انسانی‌ای که با کلام خدا در تضاد است موافق نباشد.

«درستی سخت‌گیرانه باید نزد هر دانشجو عزیز شمرده شود. هر ذهنی باید با توجهی آمیخته به حرمت به سوی کلام مکشوف خدا معطوف گردد. به آنان که بدین‌سان از خدا اطاعت می‌کنند، نور و فیض عطا خواهد شد. ایشان از شریعت او چیزهای شگفت خواهند دید. حقایق عظیمی که از روز پنتیکاست تاکنون بی‌اعتنا مانده و نادیده بوده‌اند، از کلام خدا در پاک‌ی اصیل خود خواهد درخشید. به آنان که حقیقتاً خدا را محبت می‌ورزند، روح‌القدس حقایق را آشکار خواهد ساخت که از ذهن محو شده‌اند، و نیز حقایق را که به کلی نو هستند، مکشوف خواهد نمود. آنان که گوشت و خون پسر خدا را می‌خورند و می‌نوشند، از کتاب‌های دانیال و مکاشفه حقیقتی را بیرون خواهند آورد که از روح‌القدس الهام یافته است. آنان نیروهایی را به حرکت درخواهند آورد که نتوان آنها را سرکوب کرد. لب‌های کودکان گشوده خواهد شد تا اسراری را اعلام کنند که از ذهن‌های آدمیان پنهان مانده است. خداوند چیزهای جاهل این جهان را برگزیده است تا حکیمان را رسوا سازد، و چیزهای ضعیف جهان را تا نیرومندان را رسوا کند.» مبانی آموزش مسیحی، 474.

نمونه‌ای روشن از هر دو، یعنی خطای انسانی‌ای که در کتاب دانیال یافت می‌شود و نیز بی‌میلی به پایبندی به کلام خدا، را می‌توان در واژه‌ای یافت که در باب هشتم دانیال به «روزانه» ترجمه شده است. امانت‌داری اقتضا می‌کرد که اگر الن وایت بر آن واژه، چنان‌که کرده است، توضیحی داده باشد، ما به‌عنوان ادونت‌یست‌های روز هفتم که به پشتیبانی از روح نبوت اقرار داریم، به‌طور خودکار از توضیح او درباره آن واژه برای جهت‌دادن به فهم خود استفاده کنیم.

«سپس درباره «دائمی» دیدم که واژه «قربانی» به واسطه حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که ندای ساعت دآوری را اعلام کردند. هنگامی که پیش از ۱۸۴۴ اتحاد برقرار بود، تقریباً همه بر دیدگاه درست «دائمی» متفق بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به این‌سو، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده است، و تاریکی و سردرگمی در پی آن آمده است.» 1 Review and Herald، نوامبر 1850.

ما می‌توانستیم زمان بسیار زیادی را صرف این دو جمله کنیم، زیرا هنگامی که سرانجام در کتاب Early Writings گنجانده شدند، ویراستاران بشری تعریفی نادرست از آنچه بیان شده است ارائه کرده‌اند، اما آن داستان دیگری است. برای مقصود ما، تنها می‌خواهیم به دو نکته مرتبط اشاره کنیم. نکته نخست این است که خواهر وایت می‌گوید: «واژه "sacrifice" به وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد.»

سپس شنیدم که یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیس معینی که سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و تقصیر ویرانگر تا به کی خواهد بود، که هم قدس

و هم لشکر به پایمال شدن سپرده شوند؟ دانیال 8:13.

آیه پیشین همان پرسشی است که پاسخ آیه چهاردهم را برمی‌انگیزد، و آن پاسخ، ستون اصلی و بنیاد ادونتیسیم را تشکیل می‌دهد. و در همان پرسشی که آن نور عظیم نشان داده شده به مثابه ستون اصلی ادونتیسیم را پدید می‌آورد، به ما آگاهی داده می‌شود که حکمت انسانی با وارد کردن واژه‌ای افزوده در ترجمه آن آیه، مرتکب خطا شده است.

در ترجمه کتاب مقدس KJV سال 1611 به معنای واقعی کلمه صدها واژه افزوده وجود دارد، اما تنها یک بار خدا هر یک از آن صدها واژه افزوده را خطا معرفی می‌کند. و روشن است که این خطا از سوی جنبه انسانی آن ترکیب انسانیت و الوهیتی که کلام خدا را پدید آورد، به وجود آمده است. مهم‌تر آن که اگر واژه افزوده «قربانی» موجب برداشتی نادرست از آیه نمی‌شد، هیچ نیازی به هیچ تفسیر الهام‌شده‌ای درباره آن وجود نداشت. روشن است که چنین می‌کند، زیرا آن تفسیر الهام‌شده نه تنها مشخص می‌سازد که آن واژه نباید در آنجا باشد، بلکه همچنین تصریح می‌کند که «آنان که ندای ساعت دآوری را دادند»، از سوی خداوند «برداشت درست» را از «دائمی» دریافت کردند. امانت‌داری اقتضا می‌کند که ما آن دو جمله را دقیقاً همان‌گونه که نوشته شده‌اند به کار ببریم.

کسانی که ندای ساعت دآوری را اعلان کردند، «دائمی» را نمادی دانستند که بسته به زمینه‌ای که در آن قرار دارد، نمایانگر بت‌پرستی یا روم بت‌پرست است. واژه‌ای که به «دائمی» ترجمه شده است، پنج بار در کتاب دانیال آمده است. هر پنج مورد کاربرد آن به صورت اسم است. این واژه در کلام خدا یکصد و چهار بار به کار رفته است، و در نود و نه مورد به عنوان صفت استعمال شده است؛ اما تنها در کتاب دانیال است که به صورت اسم به کار رفته است. مردانی که کتاب مقدس نسخه کینگ جیمز را ترجمه کردند، این واژه را در آن نود و نه مورد به صورت صفت دیدند؛ از این رو، هنگامی که به کتاب دانیال رسیدند، کوشیدند آن را نیز به صورت صفت درآورند تا با همه موارد دیگر که به صورت صفت آمده بود، موافقت داشته باشد. برای انجام این کار، آنان واژه «قربانی» را افزودند. اما خدا، از طریق ال‌ن وایت، فرمود که «قربانی» باید حذف شود؛ و این بدین معناست که «دائمی» باید به عنوان اسم فهمیده شود.

آنان که در ادونتیسیم در برابر مشورت خدا درباره این کلمه می‌ایستند، آن کلمه را نمادی از خدمت مسیح در قدس آسمانی او تعریف می‌کنند؛ اما کسانی که ندای ساعت دآوری را سردادند، آن را به درستی بت‌پرستی تعریف کردند. ادونتیسیم امروز از نمادی متعلق به قدرتی شیطانی برای نمایاندن مسیح استفاده می‌کند!

به واسطه منطق نادرست انسانی، فهم حقیقی واژه‌ای که به «قربانی دائمی» ترجمه شده است، از ادونتیسیم پنهان مانده است. آن ادونتیست‌هایی که مطالعه نبوتی خود را بر موضوعاتی بنا می‌نهند که به طور تصادفی در طول سال‌ها در جزوات ربع‌ساله مدرسه سبت مطرح می‌شود، با کاهلی همان تلقیناتی را می‌نوشند که از طریق آن جزوات به ایشان خورانده می‌شود، و همان‌ها نیز به وسیله شبانانی تأیید می‌گردد که خود فاقد آن صداقت لازم‌اند که هرگونه مدخلی از اظهارنظرهای خواهر وایت درباره این موضوع را بپذیرند.

تاریخ منازعه «قربانی دائمی» در حدود سال ۱۹۱۱ به نقطه عطف خود رسید؛ آنگاه که خواهر وایت به صراحت اظهار داشت کسانی که فهم پیشگامان از «قربانی دائمی» را به مثابه بت‌پرستی رد کرده بودند و تعلیم می‌دادند که «قربانی دائمی» نمایانگر خدمت مسیح در قدس آسمانی است، فهم خود را از «فرشتگانی که از آسمان رانده شدند» دریافت کرده بودند (MR 17 20).

.La verdad de «el continuo» ha sido identificada claramente por la Hermana White, y ella enseña que «ángeles santos» guiaron la mente de William Miller y que «ángeles expulsados del cielo» guían las mentes de quienes enseñan que «el continuo» representa el ministerio de Cristo en el santuario celestial. La verdad de «el continuo», tal como fue presentada por aquellos que dieron el clamor de la hora del juicio, fue descubierta por William Miller

«بیشتر خواندم و هیچ مورد دیگری نیافتم که آن [قربانی دائمی] در جایی جز در دانیال آمده باشد. سپس [با یاری یک فرهنگ هم‌آیندی کتاب مقدس] آن واژگانی را که با آن در پیوند بودند برگزفتم: «برداشتن»؛ او قربانی دائمی را برخواهد داشت؛ «از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود»، و غیره. به خواندن ادامه دادم و می‌اندیشیدم که بر این متن هیچ نوری نخواهم یافت؛ سرانجام به دوم تسالونیکیان ۷:۲، ۸ رسیدم. «زیرا که سر بی‌دینی الحال نیز عمل می‌کند؛ فقط آن که اکنون مانع است، مانع خواهد بود تا از میان برداشته شود، و آنگاه آن شریر مکشوف خواهد شد»، و غیره. و چون به آن متن رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و جلال‌آمیز به نظر آمد! اینجا است! آن همان قربانی دائمی است! بسیار خوب، اکنون پولس از «آن که اکنون مانع است»، یا باز می‌دارد، چه مراد می‌کند؟ از «مرد گناه» و «شریر»، پاپیت مراد است. بسیار خوب، آن چیست که مانع از آشکار شدن پاپیت می‌شود؟ چرا، آن بت‌پرستی است؛ پس، در این صورت، «قربانی دائمی» باید به معنای بت‌پرستی باشد.» Second Advent Manual, 66.

آنچه در کشف میلر که «دائمی» نمایانگر بت‌پرستی است، حقیقتاً هشیارکننده است، جایی است که او این حقیقت را در آن یافت. او آن را در بخشی از نوشته‌های رسول پولس یافت که در آن، پولس نه تنها «دائمی» را به عنوان بت‌پرستی تعریف می‌کند، بلکه همان بخشی است که مشخص می‌سازد کسانی که محبت حقیقت را نپذیرفتند، به ضلالت شدید گرفتار می‌شوند. پذیرش «دائمی» به عنوان نمادی از خدمت مسیح در قدس او، تعریفی که از فرشتگانی آمد که از آسمان اخراج شدند، نماد کسانی در ادونتیسیم است که از راستی و امانت لازم برای درست تقسیم کردن کلام حقیقت برخوردار نیستند، و از این رو از پیش برای گرفتار شدن به ضلالت شدید معین شده‌اند.

من نمی‌خواهم از مقصودی که در پی شناسایی آن هستیم منحرف شوم. آن مقصود این است که «هفت زمان» که در همان رؤیایی مشخص شده است که «مداوم» در آن قرار دارد، به دست انسان پنهان شده است، هرچند همچنان آشکارا در برابر دیدگان باقی مانده است. این صرفاً نمونه‌ای ساده بود از اینکه چگونه یک خطای انسانی در ترجمه که قرن‌های درازی پیش رخ داده بود، و پس از آن در اذهان انسان‌ها به وسیله فرشتگانی که از آسمان رانده شدند دست‌کاری می‌شود، امروز در این زمان سرنوشت‌ساز، درست پیش از بحران نهایی در پایان جهان، برای کور ساختن اذهان نسبت به حقیقتی که در واقع آشکارا در برابر دیدگان قرار دارد.

در دوره زمانی ۱۹۱۰، شورش «قربانی دائمی» تازه در حال آغاز شدن بود؛ دلیو، دلیو، پرسکات و ای. جی. دنیلز پیشگام کار شیطنی رد فهم بنیانی «قربانی دائمی» بودند. مقاله زیر نامه‌ای از همان زمان است که در آن خواهر وایت به دیدگاه شیطنی‌ای می‌پردازد که بر اساس آن، «قربانی دائمی» در کتاب دانیال نمایانگر خدمت قدسی مسیح است. در آن زمان، آن دو مرد این اندیشه را پیش می‌بردند که به کتاب‌های قدیمی پیشگامان رجوع کنند و فهم پیشگامان را به تعریف جدید شیطنی خود تغییر دهند. امید من این است که هنگام خواندن این مقاله، بتوانیم درستکاری را به کار بندیم.

«در این مرحله از تجربه ما، نباید ذهن‌های ما از آن نور ویژه‌ای که [به ما] داده شده بود تا در آن گردهمایی مهم کنفرانس خود مورد توجه قرار گیرد، منحرف شود. و در آنجا برادر دنیلز بود که دشمن بر ذهن او کار می‌کرد؛ و ذهن شما و ذهن الدر پرسکات نیز به وسیله فرشتگانی که از

آسمان رانده شدند، مورد کار قرار می‌گرفت. کار شیطان این بود که ذهن‌های شما را منحرف سازد تا نکته‌ها و جزئیاتی مطرح شوند که خداوند شما را به مطرح کردن آن‌ها الهام نکرده بود. آن‌ها ضروری نبودند. اما این امر برای آرمان حقیقت اهمیت بسیار داشت. و اگر اندیشه‌های شما می‌توانست به نکته‌ها یا جزئیات کشانده شود، این کاری بود از تدبیر شیطان. شما گمان می‌کنید که اصلاح چیزهای کوچک در کتاب‌های نوشته‌شده، کاری بزرگ انجام خواهد داد. اما به من مأموریت داده شده است [بگویم]: سکوت، فصاحت است.»

«من مأمورم بگویم: از عیب‌جویی دست بردارید. اگر این مقصود ابلیس می‌توانست به انجام رسد، آنگاه به نظر شما [چنین می‌آمد که] کار شما در طرح و تدبیر، بس شگفت‌انگیز تلقی می‌شد. نقشه دشمن این بود که همه ویژگی‌های به اصطلاح اعتراض‌برانگیز را در جایی گرد آورد که همه طبقات اذهان با آن توافق نداشتند.»

«و آنگاه چه؟ همان کاری که ابلیس را خشنود می‌سازد، به وقوع می‌پیوست. تصویری به بیگانگان ارائه می‌شد—نه از ایمان ما، بلکه درست آنچه با میل آنان سازگار بود—و این امر صفاتی از منش را پرورش می‌داد که موجب آشفتگی عظیم می‌شد و لحظات زرین را که باید با غیرت صرف رساندن آن پیام عظیم به مردم می‌گردید، به خود مشغول می‌ساخت. بیان‌هایی که درباره هر موضوعی که بر آن کار کرده‌ایم ارائه می‌شد، همگی نمی‌توانستند با یکدیگر هماهنگ باشند، و نتیجه آن این می‌بود که اذهان ایمانداران و بی‌ایمانان دچار سردرگمی گردد. این دقیقاً همان چیزی بود که شیطان نقشه کشیده بود که روی دهد—هر چیزی که بتوان آن را به صورت اختلافی جلوه‌گر ساخت.»

«فصل ۲۸ حزقیئیل را بخوانید. اکنون، اینجا کاری عظیم در میان است، که در آن ارواح بیگانه می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. اما خداوند کاری دارد که باید انجام شود تا جان‌های در حال هلاکت نجات یابند؛ و آن جای‌هایی را که شیطان، در هیأت مبدل، می‌تواند در آنها رخنه کند و در صفوف ما آشفتگی پدید آورد، او به کمال انجام خواهد داد، و همه آن اختلافات کوچک، بزرگ و آشکار خواهند شد.»

«و از همان آغاز به من نشان داده شد که خداوند نه به مشایخ Daniells و نه به Prescott بار این کار را سپرده است. آیا باید حیل‌های شیطان وارد شود؟ آیا این «Daily» باید چنان موضوع بزرگی گردد که مطرح شود تا اذهان را مشوش سازد و پیشرفت کار را در این برهه مهم از زمان بازدارد؟ چنین نباید بشود، هرچه که باشد. این موضوع نباید مطرح گردد، زیرا روحی که بدین‌سان وارد خواهد شد، روحی بازدارنده خواهد بود، و Lucifer هر حرکت را زیر نظر دارد. عوامل شیطانی کار خود را آغاز خواهند کرد و در صفوف ما آشفتگی پدید خواهد آمد. شما هیچ دعوتی ندارید که در پی اختلاف نظر برآیید، اختلافی که مسئله‌ای آزمون‌گر نیست؛ اما سکوت شما فصاحت است. این امر به تمامی و به روشنی در برابر من قرار دارد. اگر ابلیس می‌توانست هر یک از افراد قوم ما را در این موضوعات، چنان‌که قصد کرده است، درگیر سازد، آنگاه آرمان شیطان به پیروزی می‌رسید. اکنون کاری که باید بی‌درنگ برگرفته شود، همین است، و نه آنکه [اختلافی] در نظر ابراز گردد.»

«شیطان کسانی را که از میان ما بیرون رفته‌اند برمی‌انگیخت تا با فرشتگان شیریر متحد شوند و کار ما را با طرح مسائل بی‌اهمیت به تأخیر اندازند؛ و چه شادی‌ای [در آن‌جا] در اردوگاه دشمن برپا می‌شد. به یکدیگر نزدیک شوید، نزدیک شوید. بگذارید هر اختلافی به خاک سپرده شود. کار ما اکنون این است که تمامی نیروی جسمانی و نیروی اعصاب مغزی خود را وقف آن کنیم که این اختلافات را از میان برداریم و همه در هماهنگی باشند. اگر به شیطان با آن حکمت عظیم تقدیس‌نشده‌اش اجازه داده می‌شد که کمترین دستاویزی بیاورد، [او شادمان می‌شد].»

"اور اب، جب میں نے دیکھا کہ آپ کیسے کام کر رہے تھے، تو میرے ذہن نے پوری صورتِ حال اور اس کے نتائج کو سمجھ لیا، اگر آپ آگے بڑھتے اور ان فریقوں کو، جو ہمیں چھوڑ کر جا چکے ہیں، ہماری صفوں میں انتشار پیدا کرنے کا ذرا سا بھی موقع دیتے۔ آپ کی بے حکمتی بالکل وہی چیز ہوتی جو شیطان چاہتا۔ آپ کا بلند اعلان روح القدس کے الہام کے تحت نہ تھا۔ مجھے ہدایت دی گئی کہ میں آپ سے کہوں کہ اُن لوگوں کی تحریروں میں عیب چننا، جو خدا کی راہنمائی میں چلائے گئے ہیں، خدا کی طرف سے الہام یافتہ نہیں ہے۔ اور اگر یہی وہ حکمت ہے جو ایلڈر ڈینیلز لوگوں کو دینا چاہیں، تو ہرگز انہیں کوئی سرکاری عہدہ نہ دیا جائے، کیونکہ وہ سب سے نتیجہ تک استدلال نہیں کر سکتے۔ اس موضوع پر آپ کی خاموشی ہی آپ کی حکمت ہے۔ اب، ایسے ہر کام کی مانند، یعنی اُن اشخاص کی مطبوعات میں عیب چننا جو زندہ نہیں ہیں، وہ کام نہیں ہے جسے خدا نے آپ میں سے کسی کے سپرد کیا ہو۔ کیونکہ اگر یہ اشخاص—ایلڈرز ڈینیلز اور پریسکاٹ—شہروں میں کام کرنے کے بارے میں دی گئی ہدایات پر عمل کرتے، تو بہت سے، بلکہ نہایت بہت سے لوگ، سچائی سے قائل ہو کر ایمان لاتے، اور قابل آدمی، جو [اب] اُن مقامات پر ہیں جہاں تک کبھی اُن کی رسائی نہ ہو سکے گی، تبدیل ہو جاتے۔"

»تمام جہان را باید همچون یک خانواده بزرگ به شمار آورد. و هنگامی که چنین چشمه‌ای از معرفت برای بهره‌برداری در اختیار دارید، چرا سالیان متمادی جہان را با شہادت‌هایی که خداوند ما عیسی مسیح عطا کرده است، واگذاشته‌اید تا ہلاک شود؟ دین راستین به ما می‌آموزد کہ ہر مرد و زن را شخصی بدانیم کہ می‌توانیم به او نیکی کنیم.

»این سالیان بسیار به صورت چاپی منتشر بوده است: "ذهنی متعادل"، شہادت‌ی خطاب به کشیش اندروز. ذہن را می‌توان پرورش داد تا به نیرویی بدل شود برای دانستن این کہ چه وقت باید سخن گفت و چه بارہایی را باید برگرفت و حمل کرد، زیرا مسیح آموزگار شماسست. و من سخت برای شما ہراسیدم [آن‌گاہ کہ شما را دیدم] کہ حکمت خود را برمی‌افرازید و راہی را دنبال می‌کنید کہ به پدید آمدن اختلاف در آرا بینجامد. خداوند مردان حکیم را می‌طلبد کہ بتوانند در آن هنگام کہ سکوت برای ایشان حکمت است، خاموشی نگاہ دارند. اگر بخواہید انسانی کامل باشید، بہ تقدیس از طریق عیسی مسیح نیاز دارید. اکنون کاری تازه آغاز شدہ است، و بگذارید حکمت در ہر خادم، در ہر رئیس کنفرانس، دیدہ شود. اما در اینجا کاری بود کہ سال‌ہا پیش می‌بایست شما بہ آن دست می‌گرفتید، جایی کہ بدان نیاز بود تا صدای خود را برای ہمین کار بلند کنید. مسیح بہ تمامی قوم خود رهنمودہای ویژہ عطا کرد دربارہ آنچه باید انجام دہند و چیزہایی کہ نباید انجام دہند. و زمانی اندک برای ما باقی ماندہ است تا عدالت خداوند را بہ انجام رسانیم. شما می‌توانید طریق خداوند را دریابید. من دیدم کہ قصد شما این بود کہ پس از آن کہ بہ ریاست منصوب شدید، امور را بر وفق تدبیر خود پیش ببرید. شما پنداشتہ بودید کہ کارہای شگفتی خواہید کرد، کارہایی کہ خدا انجام آن را بہ دست‌ہای شما نسپردہ بود. اکنون کار شما این نیست کہ بر دیگران فشار آورید، بلکہ این است کہ ہر ضرورت ممکن را برطرف سازید، اگر خداوند شما را برای خدمت پذیرفتہ است. اما شما از ہمان آغاز شواہدی نشان دادہ‌اید کہ حکمت و داوری تقدیس شدہ از سوی شما ظاہر نشدہ است. شما مسائلی را با شتاب و تندی پیش کشیدید کہ پذیرفتہ نمی‌شد، مگر آن کہ خداوند نور عطا می‌فرمود.»

»به من تعلیم داده شده است کہ چنین اقدامات شتاب‌زدہ‌ای—مانند برگزیدن شما بہ ریاست کنفرانس، حتی برای یک سال دیگر—نباید انجام می‌گرفت. اما خداوند از ہرگونہ معاملات شتاب‌زدہ دیگری از این دست منع می‌کند تا زمانی کہ این موضوع در دعا بہ حضور خداوند آوردہ شود؛ و چون این پیام بہ شما رسیدہ است کہ کاری کہ از جانب خداوند بر عہدہ رئیس گذاشتہ می‌شود، مسئولیتی بس جدی و خطرناک است، شما از نظر اخلاقی ہیچ حقی نداشتید کہ چنان کہ دربارہ موضوع «Daily» برآشتید، بر آن موضوع چنین فوران کنید و گمان برید کہ نفوذ شما مسئلہ را فیصلہ خواہد داد. الدر ہسکل آنجا بود کہ مسئولیت‌ہای سنگین را بر دوش کشیدہ

است، و نیز الدر اروین، و چندین مرد دیگر که می‌توانم نام ببرم، که بار مسئولیت‌های سنگین را بر دوش دارند.»

«احترام شما نسبت به مردان سالخورده کجا بود؟ بدون آنکه همهٔ مردان مسئول را برای سنجیدن این امر گرد آورید، چه اقتداری می‌توانستید اعمال کنید؟ اما اکنون بگذارید این موضوع را بررسی کنیم. اکنون باید بار دیگر ملاحظه کنیم که آیا این داوری خداوند است، در برابر کاری که neglected مانده است، که غیرت شما را برای پیش بردن کار حتی یک سال دیگر ظاهر سازد. اگر قرار باشد شما با یاری کسانی که با شما متحد خواهند شد، کار را یک سال دیگر ادامه دهید، باید تغییری در شما و الدر پرسکات پدید آید. و دل‌های خود را در حضور خدا فروتن سازید. خداوند باید در شما نمود تجربه‌ای متفاوت را ببیند، زیرا اگر هرگز مردانی در این زمان حاضر نیازمند تجدید ایمان و توبه بوده‌اند، آن دو، الدر دانیلز و الدر پرسکات، هستند.»

«هفت مرد باید برگزیده شوند که مردان حکمت باشند و به واسطهٔ عمل فیض خدا [از] بازگشتی دوباره شواهدی [ارائه] دهند. زیرا هر مردی که چنان کور شده باشد که نتواند از علت به معلول استدلال کند، به‌گونه‌ای که مردانی را که مسئولیت‌های کار را بر عهده داشته‌اند و این رؤسای کنفرانس‌ها را نادیده انگارد، [و] مردانی [که] بیش از دو سال بار کار را حمل کرده‌اند بی‌اعتنا شمرده شوند، و چنین نتیجهٔ شتاب‌زده‌ای رخ دهد که مردان همان کاری را که سال‌ها پیش روی ایشان نگاه داشته شده بود—کار در شهرها—واگذارند، و هیچ، یا بسیار اندک، توجهی [به] پیرمردان برای مشورت [مبذول] گردد، بلکه چیزهایی را که خود برمی‌گزینند به مردم اعلام کنند، این خود گواهی خویش را بر ناامن‌بودن این مردان برای سپردن چنین کار عظیم و شگفت‌انگیزی به ایشان حمل می‌کند.»

«مسیح مرده نیست. او هرگز اجازه نخواهد داد که کار او به این شیوهٔ غریب پیش برده شود. کتاب‌ها را به حال خود بگذارید. اگر هر تغییری ضروری باشد، خدا هماهنگی سازگار با آن تغییر را فراهم خواهد ساخت؛ اما هنگامی که پیامی با مسئولیت‌های عظیم دربرگرفته به انسان‌ها سپرده شده است، [خدا] امانت‌داری‌ای را مطالبه می‌کند که به محبت عمل کند و جان را پاک سازد. مشایخ دانیلز و پرسکات هر دو نیازمند تجدید ایمان‌اند. کاری غریب وارد شده است، و با کاری که مسیح برای انجام آن به جهان ما آمد، در هماهنگی نیست؛ و همهٔ آنان که حقیقتاً ایمان آورده‌اند، اعمال مسیح را به‌جا خواهند آورد.»

«ما همه باید آن کاری را به انجام رسانیم که پدر را جلال خواهد داد. ما به بحران رسیده‌ایم—یا باید درست در همین زمان تدارک، با سیرت عیسی مسیح هم‌نوا و هم‌شکل گردیم، یا اصلاً در پی آن نرویم. برادر سالخورده دانیلز، [شما نباید] خود را آزاد بدانید که، چنان‌که در اوضاع مشابه کرده‌اید، آواز خود را از بالا بلند کنید. و این را دریابید که رئیس یک کنفرانس، فرمانروا نیست. او در پیوند با مردان حکیمی کار می‌کند که در مقام رؤسا قرار دارند و خدا آنان را پذیرفته است. او آزادی ندارد که در نوشته‌های کتاب‌های چاپ‌شده، از قلم‌هایی که خدا پذیرفته است، دخالت کند. آنان دیگر نباید سلطه برانند، مگر آنکه از این قدرت فرمانروایانه و سلطه‌جویانه کمتر نشان دهند. بحران فرا رسیده است، زیرا خدا بی‌حرمت خواهد شد.»

«خداوند به شهرهای کارناشده چگونه می‌نگرد؟ مسیح در آسمان است. اکنون اقرار آن باید این باشد: "هیچ فرمانروایی پادشاهانه‌ای نیست. و اکنون بحران این جهان است. اکنون من آن قدرت هستم که نجات دهم یا هلاک کنم. اکنون زمانی است که سرنوشت همه در دستان من است. من جان خود را دادم تا جهان را نجات دهم. و «من اگر برافراشته شوم،» فیض نجات‌بخشی که عطا خواهم کرد ثابت خواهد ساخت که همه آنان که به شباهت الهی شکل داده خواهند شد و با من یکی خواهند بود، همان‌گونه که من با قدرت فیض رهایی‌بخش خود عمل می‌کنم، عمل خواهند کرد." هر که بخواهد، [باید] با برادران خود دست به کار شود تا آن کاری را که به ایشان سپرده

شده است انجام دهند، آنگاه که در جایگاه‌های مسئولیت، تحت مشورتی که خداوند می‌دهد، قرار دارند، و با نهایت جدیت بکوشند تا در هماهنگی کامل با او عمل کنند؛ با او که جهان را چنان محبت نمود که جان خویش را قربانی کامل داد برای نجات جهان. به خادمان خود سخن می‌گویم که چون به کار در شهرهای ما وارد می‌شوند، وقاری آرام و مقدس همراه خدمت کلام باشد. ما نمی‌توانیم تأثیر شایسته را بر ذهن‌های مردم بگذاریم اگر ما... [ثالث پایین این صفحه سفید گذاشته شده است.]»

«از یادداشت روزانه‌ام نقل می‌کنم. حقیقت آن‌گونه که در عیسی است—آن را بازگویید، آن را دعا کنید، و هر کلمه‌اش را در سادگی‌اش ایمان آورید. اگر خطاها نزد مردانی آورده شوند که از ایمان منحرف شده‌اند و به ارواح فریبنده گوش فرا داده‌اند، مردانی که تا همین اندک زمانی پیش با ما در ایمان بودند، چه سودی خواهید برد؟ آیا بر جانب ابلیس خواهید ایستاد؟ توجه خود را به میدان‌های کار ناپیموده معطوف سازید. کاری جهانی در برابر ماست. درباره جان کلاگ به من مکاشفاتی داده شد.»

«شخصیتی بسیار جذاب، افکاری را که در قالب استدلال‌های فریبنده‌ای که عرضه می‌کرد نمایان می‌ساخت، یعنی احساساتی متفاوت با حقیقت اصیل کتاب مقدس. و آنان که برای چیزی تازه گرسنه و تشنه بودند، اندیشه‌هایی [چنان فریبنده] پیش می‌بردند که الدر پرسکوت در خطری عظیم قرار داشت. الدر دنیلز در خطری عظیم [از] گرفتار شدن در فریبی بود که اگر این احساسات می‌توانست در همه‌جا بیان شود، گویی جهانی نو پدید می‌آمد.»

«بله، می‌بود؛ اما در حالی که ذهن‌های ایشان بدین‌سان مشغول بود، به من نشان داده شد که برادر دانیلز و برادر پرسکات در تجربه خود احساساتی با ظاهری روحانی [گری] می‌یافتند و قوم ما را به سوی احساسات زیبا می‌کشاندند که اگر ممکن بود، حتی برگزیدگان را نیز فریب می‌داد. بر من است که با قلم خود [این واقعیت را] ثبت کنم که این برادران در اندیشه‌های فریبنده خویش نقایصی می‌دیدند که حقیقت را در وضعیت عدم قطعیت قرار می‌داد؛ و [با این همه] آنان [چنان] بر جای می‌ایستادند [که گویی] از بصیرت روحانی عظیمی برخوردارند. اکنون مأمورم که به ایشان بگویم [که] هنگامی که این امر به من نشان داده شد، زمانی که کشیش دانیلز صدای خود را همچون کرنا بلند می‌کرد و از نظریات خود درباره «قربانی دائمی» دفاع می‌نمود، نتایج بعدی نیز به من ارائه گردید. قوم ما دچار سردرگمی می‌شدند. من نتیجه را دیدم، و آنگاه هشدارهایی به من داده شد که اگر کشیش دانیلز، بی‌اعتنا به فرجام کار، بدین‌گونه تحت تأثیر قرار گیرد و خود را به این باور واگذارد که تحت الهام خداست، شکاکیت در همه‌جای صفوف ما افشانده خواهد شد، و ما در جایی قرار خواهیم گرفت که شیطان پیام‌های خود را خواهد رسانید. بی‌ایمانی و شکاکیتی راسخ در ذهن‌های بشری افشانده خواهد شد، و محصولات غریب شر جای حقیقت را خواهد گرفت.—17-22 گرفت. 67, 1910, 1-8. Manuscript Release, volume 20, 17-22»

کسانی که ندای ساعت داوری را اعلام کردند، در باب «قربانی دائمی» در کتاب دانیال، فهم درست به ایشان داده شده بود. به واسطه دست‌های انسانی که کتاب دانیال را ترجمه کردند، و سپس به وسیله انسان‌هایی که تحت هدایت فرشتگانی بودند که از آسمان اخراج شده بودند، فهم درست «قربانی دائمی» پنهان شده است، هرچند در برابر دیدگان آشکار است. در دانیال، هرگاه واژه‌ای که به «قربانی دائمی» ترجمه شده است به کار می‌رود، نباید واژه افزوده انسانی «قربانی» را در آن داخل دانست. در آیه سیزدهم دانیال هشت، یکی از آن پنج موردی را می‌یابیم که این امر در کتاب دانیال رخ می‌دهد. در همان آیه، «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش نیز مشخص شده است، اما به وسیله همان‌گونه دست‌کاری انسان‌محور، در برابر دیدگان پنهان شده است.

در مقاله بعدی به این واقعیت خواهیم پرداخت.